

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۲۴، فیلیمون و تسالونیکیان

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید است، سخنرانی ۲۴ درباره فیلیمون و تسالونیکیان. بسیار خوب، بیایید جلو برویم و شروع کنیم، و بیایید با دعا شروع کنیم.

ای پدر، ما دوباره از تو سپاسگزاریم که ما را دوست داری و ما را فرا خواندی تا قوم تو باشیم. و من دعا می کنم که ما به درک بیشتری از معنای آن و نحوه پاسخ به آن واقعیت برسیم، با نگاهی عمیق تر به اسنادی که ارتباط برقرار می کنند و تجسم آن دعوت و هویت ما به عنوان مردم شما هستند. بنابراین، ما برای حضور و توانمندسازی شما دعا می کنیم تا به فکر کردن، تجزیه و تحلیل و مطالعه عهد جدید ادامه دهیم تا به افرادی تبدیل شویم که شما می خواهید ما باشیم. به نام عیسی، ما دعا می کنیم، آمین.

بسیار خوب، در آخرین دوره کلاسی ما کتاب کولسیان و فیلیمون را به پایان رساندیم، دو کتابی که به نوعی از نظم متعارف متن عهد جدید خارج شدیم و به دلایل واضح با آنها رفتار کردیم. اما یکی از مسائلی که به ویژه کتاب فیلیمون مطرح می کند، اما در چند بخش از عهد جدید مطرح می شود، مربوط به موضوع اصلی کتاب فیلیمون است.

و آن این است که چرا پولس بلافاصله بیرون نمی آید و برده داری را صریحا محکوم نمی کند؟ در عوض، وقتی به عنوان مثال به کتاب کولسیان نگاه می کنید، پولس به موضوع برده داری می پردازد، اما همیشه این کار را از نظر نحوه تنظیم آن انجام می دهد، بردگان چگونه هستند، اربابان چگونه باید به بردگان خود پاسخ دهند و بالعکس. اما پل هرگز درست بیرون نمی آید و برده داری را محکوم می کند، می گوید اشتباه است یا از اربابان می خواهد که بردگان خود را آزاد کنند. و این اغلب این سوال را مطرح می کند که چرا پولس این کار را نمی کند؟ چرا او برده داری را به جای اینکه مستقیما بیرون بیاید و آن را محکوم کند یا علیه آن صحبت کند، تنظیم می کند؟ چرا او بیرون نیامد و به فیلیمون و سایر برده داران، به ویژه برده داران مسیحی، نگفت که بردگان خود را آزاد کنند؟ حالا، دوباره، نمی دانم آیا می توانم یا می خواهم سعی کنم پاسخی برای این سوال ارائه دهم.

فکر نمی کنم پاسخ به این سوال به راحتی به دست آید. اما در عوض، من فقط می خواهم تعدادی پارامتر یا تعدادی چیز را برای فکر کردن در پرداختن یا فکر کردن در مورد آن سوال ارائه دهم. و اولین مورد مربوط به نحوه درک برده داری در جهان یونانی-رومی است.

اولین چیزی که باید بدانید این است که برخلاف های ما، حداقل در ایالات متحده، در زمینه آمریکای شمالی، تجربه برده داری ما معمولا پس از جنگ داخلی است، و جایی که ما به برده داری به عنوان چیزی با انگیزه نژادی فکر می کنیم. با این حال، در قرن اول اینطور نبود. برده داری یک مسئله نژادی نبود.

کسی به دلیل نژاد یا چیزی شبیه به آن برده نشد. معمولا برده می شدید زیرا بخشی از ملت یا سرزمینی بودید که فتح شده بود و برده ملت فاتح می شدید، یا برده می شدید زیرا مجبور بودید خود را به بردگی بفروشید. بنابراین، هیچ ربطی به انگیزه نژادی نداشت.

دومین چیزی که باید درک کرد این است که حداقل در قرن اول، برده داری بین بردگانی که در شرایط بسیار بی رحمانه ای عمل می کردند، مانند بردگانی که برای خدمت در معادن به خدمت اجباری فراخوانده می

شدند، در معادن رم کار می کردند، از یک طرف، که باز هم در شرایط بسیار بد با آنها بسیار بی رحمانه رفتار می شد. در حالی که در طرف دیگر، شما برده های داشتید که برای اربابان ثروتمند کار می کردند که با آنها بسیار خوب رفتار می شد و از برخی جهات وضعیت بهتری نسبت به قبل از برده بودن داشتند، به خصوص اگر در فقر شدید یا چیزی شبیه به آن بودند. آنها ممکن است اکنون برای یک ارباب کار کنند و ممکن است غذای بهتر و محل سکونت بهتر و اغلب وسیله ای برای دستیابی به آزادی خود داشته باشند. بنابراین حتی شرایط برده داری در امپراتوری یونان-روم بسیار متفاوت از آن چیزی بود که امروزه اغلب به آن فکر می کنیم.

سومین چیز در رابطه با برده داری در جهان یونانی-رومی این است که به دلیل ماهیت همه جا حاضر برده داری، این واقعیت که همه جا وجود دارد، تقریباً به نظر می رسد که ثبات، به یک معنا، ثبات در اقتصاد دولت روم به آن بستگی دارد، که من تعجب می کنم که آیا پولس فکر می کرد که تلاش برای صحبت کردن علیه آن بیهوده و شاید مضر تر برای مسیحیت بوده است. در واقع، جالب است که پولس ظاهراً هیچ سابقه ای برای صحبت کردن علیه برده داری ندارد. وقتی به سایر نوشته های یهودی و غیره نگاه می کنید، پولس واقعا در تلاش برای مقابله با این مشکل، مسئله برده داری در امپراتوری روم به دلیل ماهیت آن و این واقعیت که بسیار ریشه دار و گسترده بود، یک ماوریک بوده است.

و دوباره، این امکان وجود دارد که اگر او سعی می کرد این کار را انجام دهد و مسیحیان سعی می کردند مشکل برده داری را برطرف کنند، ممکن است که این امر دوباره باعث آسیب بیشتر و حتی تهدید موجودیت مسیحیت شود، حداقل برخی حدس زده اند. بنابراین، اولین چیزی که مهم است بدانیم این است که برده داری در دنیای یونانی-رومی بسیار متفاوت از آن چیزی بود که گاهی اوقات به آن فکر می کنیم یا شاید تجربه کرده ایم، کسانی از شما که از فرهنگ ها یا کشورهای مختلف هستید، جایی که برده داری بخشی از زندگی است. اما در ایالات متحده، ما اغلب به برده داری فکر می کنیم، دوباره، از نظر پس از جنگ داخلی، جایی که از برخی جهات تجربه بسیار متفاوتی بود.

بنابراین، اولین چیز این است که این سه چیز را درک کنید. برده داری انگیزه نژادی نداشت. فرد به روش های مختلفی که به او مربوط نمی شود، برده می شود، به طور کلی به پیشینه یا ملیت او مربوط نمی شود.

و دوم، این واقعیت که برده داری همیشه ظالمانه یا غیرانسانی نبود، اما گاهی اوقات وضعیت فرد به عنوان یک برده، اگر کسی برده بود، خود را در موقعیت بهتری نسبت به قبل از برده بودن می یافت. و سوم، فقط این واقعیت که آنقدر در فرهنگ یونانی-رومی ریشه دوانده بود که شاید پولس تلاش برای تضعیف و صحبت علیه آن را می دید یا فکر می کرد که تلاش برای تضعیف آن و صحبت کردن علیه آن نتیجه معکوس خواهد داشت. در عوض، من تعجب می کنم که آیا شاید پولس تصمیم گرفته است که درایت دیگری را در پیش بگیرد، و اینکه او فکر می کرد که انجیل را به این شکل می داند، و به نظر می رسد این همان چیزی است که زیربنای استدلال او در فیلیمون است، همان انجیلی که سهم برابر در شخص عیسی مسیح را اعلام می کند، یا ارث برابر یا تقسیم برابر در انجیل.

این، و به یاد داشته باشید که در غلاطیان، پولس گفت، در مسیح، هیچ مرد یا زن، برده و آزاد وجود ندارد. بنابراین، من تعجب می کنم که آیا پولس شاید فکر می کرد که موعظه انجیل به خودی خود، حداقل در مورد مسیحیان، در نهایت به معنای از بین بردن و از بین رفتن بردگی خواهد بود. این محقق سابق عهد جدید، F.F. Bruce بود که برای مدت طولانی در دانشگاه های بریتانیا تدریس می کرد.

ف. ف. بروس چیزی در این راستا گفت که فکر می کرد پولس متقاعد شده است که از طریق انجیل، موعظه انجیل بر اتحاد فرد در مسیح تأکید می کند و بر برابری در مسیح تأکید می کند که فراتر از تمایزات

اجتماعی است. بروس گفت که آن انجیل محیطی را ایجاد می کرد که در آن برده داری فقط می توانست پژمرده شود و در نهایت بمیرد. و او ممکن است نکته ای داشته باشد.

بنابراین شاید پولس فکر می کرد که موعظه انجیل خود در نهایت خنثی کردن بردگی خواهد بود. در مواقع دیگر، پولس مایل بود مستقیماً در مورد مسائل خاصی صحبت کند، اما شاید این تعداد نظراتی که من بیان کرده ام حداقل شروعی برای پرداختن به این باشد که چرا شاید پولس صریحاً علیه برده داری صحبت نکرد یا آن را صریحاً محکوم نکرد. Yep.

اگر او آزادی کامل داشت؟ به عبارت دیگر، اگر او می توانست بدون هیچ ... بله، حدس می زنم در جامعه ما احتمالاً این کار را می کند. من فقط حدس می زنم که شاید در جامعه ما که او ممکن است آزادی بیان بیشتری در این زمینه داشته باشد و شاید برخی از درگیری هایی که ممکن است از نظر سیاسی داشته باشد، ممکن است صریح تر علیه آن صحبت کرده باشد، مثلاً امروز. بله، به نظر می رسد.

باز هم، روشی که او خطاب می کند... من از کاری که او در فیلیمون انجام می دهد متقاعد شده ام و فقط، دوباره، تأکید او بر آن، به ویژه در کتابی مانند غلاطیان، در مسیح نه برده وجود دارد و نه آزاد. و این ایده که به نظر می رسد او در سراسر عهد جدید تأکید می کند که طبقات اجتماعی در مسیح اهمیتی ندارند و نباید علت تفرقه در کلیسا باشند، این یکی از زمینه هایی است که او علیه آن صحبت می کرد. و دوباره، من فکر می کنم او این کار را به طور ضمنی در کتابی مانند فیلیمون انجام می دهد.

این سوال بسیار خوبی است. من فکر می کنم کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارد، و من اصلاً در تفکر پل در مورد برده داری متخصص نیستم، اما احتمالاً کارهای زیادی برای انجام دادن در این زمینه وجود دارد. این سوال بسیار خوبی است.

خوب. خوب، بیاید ادامه دهیم و قطعه دیگری از نامه کلیسای اولیه را باز کنیم. و بنابراین، ما به صندوق پستی می رویم و نامه ای را بیرون می آوریم.

یا در واقع دو نامه خطاب به کلیسای در تسالونیک یا تسالونیکیه است. من با یک نفر از یونان صحبت کردم که گفت، نه، این تسالونیکیه است. بنابراین، هر چه می خواهید آن را بنامید.

من به نوعی آن را تسالونیکیه می نامم. نمی دانم چرا، اما راه های مختلفی برای تلفظ آن وجود دارد. اما ما در مورد دو نامه صحبت خواهیم کرد، نامه شماره یک و نامه شماره دو که پولس خطاب به کلیسای تسالونیکیه کرد.

باید دوباره پرسیم، چرا دو حرف؟ دوباره، ما به اول و دوم قرن تیان نگاه کردیم و دیدیم که آن دو نامه در واقع فقط بخشی از مکاتبات پولس با کلیسای قرن تیان بودند. ما حداقل چهار نامه ای را می شناسیم که پولس به قرنتس نوشت که دو تای آنها در آنچه ما قرن تیان اول و دوم می نامیم باقی مانده اند. بنابراین اکنون ما دو نامه خطاب به کلیسای تسالونیکیه داریم.

بنابراین، باید پرسیم چرا دو حرف؟ چه شرایطی باعث نوشتن این نامه ها می شود؟ بنابراین، اول از همه، حرف شماره یک. چرا پولس این نامه را نوشت که ما آن را نامه اول به تسالونیکیان می نامیم؟ همانطور که می بینید، قبلاً نقشه ای شبیه به این دیده اید، اما این یک نقشه است و می توانید انواع مختلفی از تغییرات را پیدا کنید، اما این زیبا و رنگارنگ و بدون درهم و برهم بود. بنابراین، تصمیم گرفتم آن را بگذارم.

این بدیعی است که یونان امروزی و ترکیه امروزی یا آسیای صغیر باستان است. و این خطوط رنگی مختلف به سادگی نشان دهنده سفرهای میسیونری پولس از کتاب اعمال رسولان است. ما به سه سفر اصلی میسیونری نگاه کردیم، آخرین سفر او، خط قرمز آخرین سفر پولس به روم را نشان می دهد یا نشان می دهد که کتاب اعمال رسولان در فصل 28 به پایان می رسد.

اما متوجه خواهید شد که اینجا تسالونیکیه است. این است که پولس، به ویژه در اعمال رسولان فصل 17. بنابراین، پیشینه اصلی ما برای کتاب اول تسالونیکیان اعمال رسولان فصل 17 است، جایی که پولس تنها چند ماه را در تسالونیکیه گذراند.

او در واقع تحت شرایط نسبتاً خصمانه آنجا را ترک کرد. استقبال او در تسالونیکیه مورد استقبال همه قرار نگرفت. بنابراین، او فقط چند ماه در تسالونیکیه بود، که اگر در دنیای باستان به یاد داشته باشید، یونان به دو امپراتوری تقسیم شد، مقدونیه در شمال و آخایا در جنوب.

تسالونیکیه در قسمت شمالی مقدونیه، بخش شمالی امپراتوری یونان امروزی قرار داشت. و اینجا پایین قرنتس است. ما کمی در مورد حضور قرنتس در آخایا، قسمت جنوبی صحبت کردیم، اما تسالونیکیه وجود دارد.

پولس در یکی از سفرهای بشارتی خود که در اعمال رسولان فصل ۱۷ ثبت شده است، از آن دیدن کرد. و بنابراین، پس از چند ماه در آنجا، پولس در واقع یک کلیسا تأسیس کرد. و سپس اخباری در مورد کلیسای تسالونیکیه در مورد چند مسئله می شنود که باید به آنها پردازد.

بنابراین اساساً به همین دلیل است که اول تسالونیکیان نوشته شده است. بسیار شبیه به اول قرنتیان، پولس از چند مشکل رنج می برد. ظاهراً مشکلات در قرنتس کمی جدی تر بود و تعداد آنها بیشتر بود، اما با این حال، چند مسئله وجود داشت که پولس احساس کرد لازم است بنشیند و آنها را حل کند و در مورد تسالونیکیان صحبت کند.

حالا آن مسائل چه بودند؟ در واقع، اینجا، اینجا چند مورد هستند، این شهر تسالونیکیه امروزی است. پولس وقتی در تسالونیکیه بود در این طبقه فوقانی ماند. برخی از ویرانه های باستانی تسالونیکیه قرن اول.

یک تصویر دیگر. جالب اینجاست که متوجه تضاد بین برخی از کارهای باستان شناسی انجام شده در شهر باستانی و ساختار مدرن درست پشت آن خواهید شد. متوجه شدم که اینها تصاویری نیستند که من گرفته باشم.

آنها را به من تحویل دادند. اما نوعی تضاد جالب بین شهر باستانی یا بقایای آن و سپس ساختار مدرنی که ساخته شده است. این نامه در واقع به سادگی به دو بخش تقسیم می شود.

سه فصل اول ممکن است چیزی در مورد رابطه پولس با کلیسای تسالونیکیه و ماهیت مشکلات به ما بگوید. باز هم، به نظر نمی رسد که آنها حداقل در مقایسه با برخی از نامه های دیگر او به همان اندازه شدید باشند یا پولس را کاملاً ناراحت کنند. اما در سه فصل اول، پولس اساساً خوانندگان را ستایش می کند زیرا اخباری که او در مورد پیشرفت آنها در انجیل شنیده است چیزی جز خوب نبوده است.

با پیروی از یک قرارداد رایج در برخی نامه ها، پولس اساساً خوانندگان خود را در کنار خود قرار می دهد تا وقتی دستورالعمل های خاصی برای آنها دارد، امیدواریم که آنها بیشتر پذیرای آنها باشند و از آن پیروی

کنند. بنابراین، سه فصل اول به نوعی یک شکرگزاری طولانی است. به یاد داشته باشید، بیشتر نامه های پولس با شکرگزاری شروع می شود.

به یک معنا، شکرگزاری در سه فصل اول گسترش می یابد زیرا پولس خوانندگان را به دلیل پیشرفتی که در انجیل که برای اولین بار در اعمال رسولان فصل 17 به آنها موعظه کرد، ستایش می کند. اما دوباره، در فصل های 4 و 5، پولس دستورالعمل های بیشتری برای آنها دارد. و دو موضوعی که او به آنها می پردازد، یکی از آنها پاکی جنسی است.

باز هم، اگر به یاد داشته باشید، در اکثر شهرهای یونانی-رومی، فساد جنسی یا اخلاقیات سست تر استاندارد روز بوده است، اغلب در ارتباط با مشاهدات مذهبی خاص و پرستش های خاص در معابد در میان خدایان یونانی-رومی. اما حتی به طور کلی فراتر از آن، بنابراین ممکن است برخی از تسالونیکیان که تحت خدمت پولس به مسیحیت گرویده بودند، هنوز وسوسه شده باشند که به سبک زندگی رسمی خود بازگردند. بنابراین، پولس، همانطور که در اول قرن تیان انجام داد، اکنون قرن تیان را در رابطه با پاکی جنسی آموزش می دهد، که او آن را در دسته تقدیس و قدوسیت آنها قرار می دهد.

بنابراین، به گفته پولس، قدوسیت و تقدیس هیچ مرزی نمی شناخت. تمام زندگی فرد را در بر می گرفت. اما موضوع دیگری که پولس به آن می پردازد، آمدن دوباره مسیح است.

این هنوز اتفاق نمی افتد. به یاد داشته باشید، ما در مورد تنش فرجام شناختی صحبت کرده ایم، این واقعیت که آینده قبلاً فرا رسیده است. به عنوان مثال، در تعالیم عیسی در ملکوت، پادشاهی از قبل وجود داشت، اما هنوز به کمال خود نرسیده بود.

اکنون پولس به این موضوع می پردازد که هنوز نیست، یعنی در مورد آمدن دوباره مسیح در پایان تاریخ صحبت می کند تا نجات و داوری را به ارمغان بیاورد. و یک چیز جالب این است که وقتی می خوانید، تقریباً برای پیش بینی آن، وقتی اول قرن تیان را می خوانید، متوجه می شوید که در پایان هر فصل، یک اشاره کلیدی به آمدن مسیح، به آمدن آینده مسیح وجود دارد. و سپس وقتی به فصل 4 می رسید، پولس در نهایت با جزئیات بیشتری به آن می پردازد.

اکنون در فصل 4، این چیزی است که پولس می گوید. و می بینید، حداقل آخرین باری که این متن را به جز در مراسم تشییع جنازه شنیده بودم به یاد نمی آورم. بنابراین، این احتمال وجود دارد که این جایی است که شما این متن را شنیده اید.

اما او با شروع می کند، من ناامید هستم، با آیه 13 فصل 4 شروع می کند. اما ما نمی خواهیم شما برادران و خواهران در مورد کسانی که مرده اند بی اطلاع باشید تا شما مانند دیگران که هیچ امیدی ندارند غمگین نشوید. زیرا از آنجا که ما معتقدیم که عیسی مرد و دوباره زنده شد، حتی از طریق عیسی، خدا کسانی را که مرده اند با خود خواهد آورد. برای این، ما به شما با کلام خداوند اعلام.

من می خواهم به آن عبارت برگردم، با کلام خداوند. این چیست؟ که ما که زنده هستیم، که تا آمدن خداوند باقی مانده ایم، به هیچ وجه از کسانی که مرده اند مقدم نخواهیم بود. برای خود خداوند، با فریاد فرمان، و با فریاد یک فرشته اعظم، و با صدای شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد، و مردگان در مسیح اول برخاست.

سپس ما که زنده هستیم، که باقی مانده ایم، همراه با آنها در ابرها گرفتار خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم. و بنابراین، ما برای همیشه با خداوند خواهیم بود. بنابراین، با این کلمات یکدیگر را تشویق کنید.

و آیه 18 کلید است. بدیهی است که این به معنای تشویق این تسالونیکیان محاصره شده به دلیل چیزی است که آنها تجربه کرده اند. ما در مورد مشکلی که پولس به آن می پرداخت، صحبت خواهیم کرد که خواستار این نوع بخش طولانی برای رستائیز مردگان در مسیح و بازگشت مسیح به زمین و جمع آوری همه برای ملاقات با او در هوا بود.

این اشاره به چیست و چرا پولس مجبور شد در مورد آن صحبت کند؟ اما اول از همه، اجازه دهید فقط یک چیز بگویم تا به نوعی از سر راه خارج شوم. یکی از چیزهایی که بیشتر مردم را مورد توجه قرار داده است این است که چگونه اول تسالونیکیان در آموزه های کلی کتاب مقدس در مورد فرجام شناسی و چیزهای آخر زمان قرار می گیرد؟ و یکی از سرگرمی های من این است که هر وقت به کلیساها می روم، دوست دارم بیانیه های اعتقادی آنها را بخوانم. و شما فکر می کنید، این چه نوع عجیب و غریبی است؟ از آنجایی که من بیانیه های اعتقادی را در کلیساها نمی خوانم، اما این کاری است که دوست دارم انجام دهم.

به طور عمده، من فقط دوست دارم ببینم که آنها شامل چه مواردی هستند و چقدر دوست دارند خاص شوند و چه نوع چیزهایی را حذف می کنند، چه نوع چیزهایی را شامل می شوند. یک بیانیه اعتقادی به سادگی بیان آنچه در مورد آنچه که این کلیسا به آن اعتقاد دارد تا آنجا که آنها فکر می کنند کتاب مقدس تعلیم می دهد، متمایز است. چه نوع شناسایی کسانی که به این کلیسا تعلق دارند تا آنجا که سیستم اعتقادی آنها مربوط به اینکه خدا کیست، عیسی مسیح کیست، در مورد کتاب مقدس چه فکر می کنند، در مورد روح القدس چه فکر می کنند، در مورد کلیسا چه فکر می کنند.

و معمولاً نوعی بیانیه در مورد آنچه آنها در مورد آینده فکر می کنند وجود دارد. و بنابراین، علاقه ای به آنچه اول تسالونیکیان 4 در مورد آینده می گوید وجود دارد. و آن این است که خدا چگونه می خواهد این دنیا را به پایان برساند؟ و تعدادی از کلیساها دوست دارند طرح های نسبتاً پیچیده ای بسازند که در آن بسیاری از جزئیات مناسب باشد.

آیا می توانیم نوعی جدول زمانی دقیق یا حداقل یک جدول زمانی کلی ایجاد کنیم که توضیح دهد با بازگشت عیسی مسیح اوضاع چگونه پیش خواهد رفت؟ حال، جالب اینجاست که وقتی شما به اعتقادات اولیه برمی گردید، مانند اینکه ما هر چند وقت یکبار به اعتقادنامه رسولان استناد می کنیم یا برخی از اعتقادات اولیه، اعتقادنامه نیکیه را می خوانیم، و دوباره در طول تاریخ به بیانیه های اعتقادی امروزی ما، کلیسا همیشه معتقد بوده است که عیسی باز خواهد گشت و تاریخ را به پایان می رساند و سپس آسمان و زمین جدیدی را افتتاح می کند، که بعداً در مکاشفه در مورد آن صحبت خواهیم کرد. اما کلیساها در مورد چگونگی پر کردن جزئیات مربوط به آن طرح بسیار کلی اختلاف نظر دارند. حال، به طور کلی، در معاد شناسی یهودی، با بازگشت به عهد عتیق و همچنین برخی از ادبیات یهودی که قبل از عهد جدید و در طول آن نوشته شده است، یکی از راه های توصیف فرجام شناسی یهودی، درک آنها از پایان تاریخ و بازگشت خدا برای دفاع از قوم خدا، برای اصلاح اوضاع است. تا زمین را تجدید کند و پادشاهی او را احیا و برقرار کند.

این هنوز بخشی از چیزها نیست. معاد شناسی یهودی می فهمید که آنها به طور کلی در عصر حاضر زندگی می کنند، عصری که شرارت و گناه تحت سلطه است. اگرچه خدا هنوز فعال بود، اما عصری بود که باز هم شیطان حاکم این جهان بود و شرارت هنوز حاکم بود.

اما یک روز، یک روز خدا مداخله می کند و عصر آینده یا عصر جدید فرا می رسد. منظور من از این جنبش عصر جدید نیست. منظورم عصر جدید است که به وعده نجات خدا اشاره دارد، پادشاهی خدا که عیسی وعده داده بود، که هنوز بخشی از آن نیست، خلقت جدیدی که خدا روزی افتتاح خواهد کرد، زمانی اتفاق می افتد که خدا بازگردد و همه چیز را احیا کند و زمین را داوری کند، اما مردم وفادار خود را توجیه و پاداش دهد.

اکنون، تا آن زمان، بسیاری از ادبیات یهودی نیز آنچه را که اغلب مشکلات فرجام شناختی یا درد زایمان نامیده می شود، تصور می کردند. به عبارت دیگر، آنها اغلب دوره ای از رنج شدید را مقایسه می کردند که قبل از آمدن خدا برای تجدید همه چیز، ایجاد خلقت جدید و برپایی پادشاهی او بود. قبل از آن دوره در آینده دوره ای از این مصائب آخرت شناختی خواهد بود یا برخی آنها را درد زایمان می نامند.

به همان روشی که یک زن می داند که با تشدید دردها زایمان خواهد کرد، به عنوان مقدمه ای برای زایمان، یهودیان اینگونه این بدبختی ها یا این مصیبت های را که اتفاق می افتد درک کردند. این به نوعی مقدمه ای برای آمدن دوباره دیدار خدا برای برقراری پادشاهی او و تجدید همه چیز و ایجاد خلقت جدید خواهد بود. بنابراین این به نوعی پس زمینه ای را برای آنچه در کتاب های مانند اول تسالونیکیان و کتاب مکاشفه می بینیم ایجاد می کند.

سوال این است که اول تسالونیکیان و این آموزه، این ایده که برای دیدار با مسیح در هوا برخاسته شده و ایده گرفتار شدن برای ملاقات با او و برای همیشه با او بودن و ملاقات با او در ابرها کجاست، همه اینها در کجا در این درک از این زمان آینده قرار می گیرد، این هنوز زمانی نیست که مسیح بیاید و پادشاهی خود را برپا کند و خلقت جدیدی را افتتاح کند و بر همه چیز حکومت کند برای قضاوت در مورد جهان اما برای توجیه و پاداش دادن به کسانی که وفادار مانده اند؟ اول تسالونیکیان در کجا قرار می گیرند؟ حالا، نکته اصلی که مردم به آن علاقه مند هستند، و من در مطرح کردن آن تردید دارم زیرا فکر نمی کنم شخصا مسئله بزرگی باشد، اما بسیاری از مسیحیان هنوز در این مورد تمرین می کنند، و این بیشتر آن به این دوره در اینجا مربوط می شود، مشکلات فرجام شناختی یا دوره مصیبت. و بنابراین، در اول تسالونیکیان 4، ما این عبارت را در آیه 17 می خوانیم، ما که زنده هستیم و باقی مانده ایم، در ابرها گرفتار خواهیم شد. این عبارت با لاتین ترجمه شده است، در نسخه لاتین کتاب مقدس با یک کلمه لاتین ترجمه شده است که ما کلمه ربوده شدن را از آن می گیریم.

و جالب اینجاست که در تعدادی از بیانیه های اعتقادی کلیسا، آنها را می بینید که در مورد ربوده شدن مقدسین صحبت می کنند. این زمانی است که ما گرفتار می شویم تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم، چیزی که در اول تسالونیکیان 4 می بینیم. سوال این است که چه زمانی در این طرح اتفاق می افتد؟ چه زمانی این گرفتار شدن برای دیدار با خداوند در هوا اتفاق می افتد؟ و مشکل این است که اول تسالونیکیان 4 همه چیز را در مورد فرجام شناسی به ما نمی گوید، زیرا دوباره، دغدغه اصلی پولس فقط این است که در آیه 18 به اندازه کافی بگوید تا بتوانند با این کلمات یکدیگر را تسلی دهند تا به مشکلی که او به آن می پردازد بپردازند. بنابراین، ما نمی توانیم انتظار داشته باشیم که پولس هر آنچه را که می توان در مورد فرجام شناسی یا در مورد آمدن دوباره مسیح بگوید، بگوید.

اما چه زمانی این گرفتار شدن اتفاق می افتد؟ بنابراین، ممکن است در مورد این زبان شنیده باشید، مصیبت بزرگ، این مخفف مشکلات فرجام شناختی است. در آخرین نمودار، ایده یهودی از مصائب فرجام شناختی یا دردهای زایمان یا رنج ها و مصیبت ها و پریشانی که بلافاصله قبل از آمدن دوباره مسیح خواهد بود. نکته کلیدی این است که چه زمانی این گرفتار می شود که ما آن را ربوده شدن می نامیم، چه زمانی در رابطه با این مصائب مسیحایی یا فرجام شناختی یا این مصیبت بزرگ، این دردهای تولد اتفاق می افتد؟ اگر بیانیه های

اعتقادی کلیسا را بخوانید، احتمالاً این دو را به اندازه کافی پیدا نخواهید کرد، اما اغلب این یکی را خواهید یافت.

و این دیدگاهی است که به عنوان پیش از مصیبت بزرگ شناخته می شود می گوید، این گرفتار شدن برای دیدار با خداوند در هوا در اول تسالونیکیان 4 قبل یا قبل از آن مشکلات فرجام شناختی اتفاق می افتد که ما آنها را به عنوان بزرگ می شناسیم، که پولس یا دیگران، نه پولس، اما نویسندگان دیگر آن را مصیبت بزرگ می نامند یا دوباره، ادبیات یهودی آن را مصائب آخرت شناختی یا دردهای تولد نامید. بنابراین، پیش از مصیبت بزرگ می گوید که عیسی ما را در اول تسالونیکیان 4 خواهد گرفت. عیسی قبل از اینکه اتفاق بیفتد، ما را می گیرد. دیدگاه دیگر، در واقع تعدادی بازدید وجود دارد.

من واقعا به نوعی ساده گرا هستم و فقط به دیدگاه های غالب در تاریخ کلیسا اشاره می کنم. دیدگاه دیگری که اینطور نیست، دیگر نمی شنوم که برای آن استدلال شود. نوعی نسخه از آن وجود دارد، اما شما این یکی را نمی شنوید.

این ربوده شدن اواسط قبيله است. حدس می زنم آنها نمی توانستند تصمیم خود را بگیرند. بنابراین، آنها گفتند که این به نوعی در این بین است.

به این دلیل نیست. اما این زمانی در میانه این مشکلات فرجام شناختی است، این زمان مصیبت که در اسلاید قبلی درست قبل از آمدن مسیح فرا می رسد، که در میانه آن قبل از اینکه واقعا بد شود و پیش برود، کلیسا گرفتار خواهد شد. بنابراین، وقتی پولس می گوید که ما در آیه 18 گرفتار خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم، او به زمانی در میانه این مشکلات فرجام شناختی، این دوره مصیبت و پریشانی اشاره می کند.

در نهایت، چیزی است که به عنوان ربوده شدن پس از مصیبت بزرگ شناخته می شود. یعنی گرفتار شدن برای دیدار با خداوند در هوا، به اصطلاح ربوده شدن در اول تسالونیکیان 4 پس از این مصائب یا دوره مصیبت بزرگ می آید. بنابراین، این ربوده شدن، به اصطلاح ربوده شدن، و آمدن دوباره عیسی یک رویداد هستند.

این دو دیدگاه دیگر می گویند که ربوده شدن، این گرفتار شدن در اول تسالونیکیان 4 و آمدن دوباره مسیح برای برپایی پادشاهی خود و به خلقت جدید و تجدید همه چیز دو رویداد متفاوت هستند. این یکی می گوید نه، آنها یک چیز هستند. وقتی عیسی برمی گردد تا ما را بگیرد تا با او باشیم، آن زمان است که تاریخ را به پایان می رساند و پادشاهی خود را برقرار می کند.

بنابراین، ایده این است که قوم خدا این مصائب فرجام شناختی، این دردهای زایمان، این مصیبت را تجربه خواهند کرد. اما در پایان آن زمان، در پایان تاریخ، خدا می آید و قومش را نزد خود جمع می کند و سپس تمام جهان را از نو می آفریند، جهان را داوری می کند، به مردم وفادار خود پادشاهی می دهد و پادشاهی خود را برپا می کند که تا ابد باقی خواهد ماند. بنابراین، اگر این اصطلاحات را بشنوید، و این همان اصطلاحی است که به احتمال زیاد وقتی مردم در مورد آن صحبت می کنند خواهید دید، اما اگر این اصطلاحات را بشنوید، این همان چیزی است که به آن اشاره می کند.

این جایی است که اول تسالونیکیان 4، این اشاره در آیه 17 به گرفتار شدن برای دیدار با خداوند در هوا، که در این طرح این مصائب یا این مصیبت که منجر به آمدن دوباره مسیح و قبل از آمدن دوباره مسیح می شود تا پادشاهی خود را برپا کند و خلقت جدید خود را برپا کند، جا می گیرد؟ بله، درست است. این فرض می کند که من حدس می زنم هر دوی اینها را پیش فرض می کنم، اما به خصوص این فرض را دارد که حدس

می‌زنم ما در بهشت هستیم و مسیح منتظر این زمان هستیم که این وضعیت خود را بازی کند، و سپس ما با او به زمین برمی‌گردیم تا پادشاهی او را برپا کنیم. حالا شما می‌توانید شب‌ها بخوابید، دقیقا می‌دانید که اینها چیست، همه این موقعیت‌ها، قبل از قبیله، اواسط قبیله، پس از قبیله.

اما دوباره، من این را فقط به این دلیل مطرح می‌کنم که بخشی از زبان کلیسای امروز ما است و از نظر تاریخی بوده است. اما بگذارید بگویم، فقط بگذارید یک چیز بگویم. کلیسا، تا آنجا که من می‌توانم بگویم، کلیسا همیشه تنوع در این موضوع را تحمل کرده است.

متأسفانه، این موضوع اغلب برای ایجاد تفرقه و جدایی در میان کلیساها و سایر مسیحیان استفاده شده است که در واقع باید این واقعیت را جشن بگیرند که هر دو معتقدند که عیسی قطعا در تاریخ باز خواهد گشت، و او پادشاهی خود را برپا می‌کند و تاریخ را به پایان می‌رساند. این همیشه چیزی بوده است که کلیسا به آن اعتقاد داشته است. دوباره، به عقب برگردید و اعتقادنامه رسولان را بخوانید.

به عقب برگردید و برخی از اعتقادات اولیه را بخوانید که در آن به سادگی به این واقعیت اشاره می‌کنند که عیسی در واقع برای داوری باز خواهد گشت، اما همچنین برای نجات و پاداش دادن به قومش. عیسی باز خواهد گشت تا پادشاهی خود را برپا کند و تاریخ را به پایان برساند. به نظر من، تمام جزئیات پیرامون آن در دسترس است.

مسئله اصلی این است که ما بیش از حد درگیر استفاده از این برای تفرقه زدن نمی‌شویم و حتی بدتر از آن، برجسب زدن به کسانی که معنوی هستند یا نیستند یا عقل سلیم دارند یا نه. کلیسا همیشه انواع مختلفی از این موارد را تحمل کرده است. جالب اینجاست که برای نشان دادن این موضوع، کتابی وجود داشت، فکر می‌کنم در واقع تجدید نظر شده است، اما کتابی چندین سال پیش به نام مصیبت قبل، اواسط یا پس از آن تولید شد.

و آنها سه نفر داشتند که برای هر موقعیت بحث می‌کردند، و همه آنها از یک مدرسه، دقیقا یک مدرسه الهیات بودند. و آنها موضع خود را استدلال کردند. آنها با یکدیگر تعامل داشتند.

بنابراین، این یکی از آن مسائلی است که ممکن است با آن مواجه شوید یا نشوید، اما مطمئنا یکی از آن مسائلی است که در نهایت باید با درجه‌ای از فروتنی به آن پرداخت. در عوض، ما باید انتخاب کنیم که بر آنچه می‌توانیم از آن مطمئن باشیم و در مورد آنچه می‌توانیم در مورد آن توافق کنیم، تمرکز کنیم. بسیار خوب.

احتمالا می‌خواهید بدانید که من تحت کدام یک قرار می‌گیرم. من قصد ندارم به شما بگویم. چند چیز دیگر.

بسیار خوب، من در آخرین نفر هستم. اما دوباره، من واقعا اهمیتی نمی‌دهم. چند چیز.

شماره یک، در رابطه با این، بخشی از مشکل گوش دادن به آیه بعدی، فصل 5 و آیه 1 است. پولس می‌گوید، اکنون در مورد زمان‌ها و فصول، برادران و خواهران، نیازی نیست که چیزی برای شما نوشته شود. این نشانه واضحی از است، به یاد داشته باشید که ما از استعاره تلفنی به عنوان راهی برای درک حروف استفاده کردیم، که ما در حال گوش دادن به یک انتهای مکالمه تلفنی هستیم. و ظاهرا، پولس می‌گوید، من قبلا در این مورد به شما گفته‌ام.

بنابراین، او نیازی به تمرین تمام جزئیات نمی بیند. بنابراین دوباره، در فصل 4، پولس همه چیزهایی را که می داند و همه چیزهایی را که قبلا به تسالونیکیان گفته است به ما نمی گوید. او قبلا این را به آنها گفته است.

و بنابراین، او می گوید، شما نیازی ندارید که من جزئیات بیشتری در این مورد برای شما بنویسم. من قبلا به شما گفتم، احتمالا زمانی که او در اعمال رسولان فصل ۱۷ با آنها بود. و اکنون او فقط خلاصه می کند.

بنابراین، به یک معنا، ما کمی فقیر هستیم. ما با دانش بسیار جزئی به این موضوع می رسیم. اگر بخواهیم از یکی از استعاره های پولس استفاده کنیم، وقتی نوبت به خواندن اول تسالونیکیان 4 می رسد، از طریق شیشه یا آینه کم نور می بینیم. بنابراین دوباره، بخشی از مشکل این است که ما همه اطلاعات را نداریم زیرا پولس قبلا به آنها گفته است و نیازی به تمرین مجدد تمام جزئیات نمی بیند.

نکته دیگر این است که نظری که می خواهیم به آیه 15 برگردم. پولس می گوید، برای این، ما به کلام خداوند به شما اعلام می کنیم. حال، کلام خداوند که پولس به آن اشاره می کند چیست؟ برخی متقاعد شده اند که او یک پیام نبوی از خود عیسی مسیح داشته است.

که مسیح شاید به طور شنیدنی از طریق روح خود به پولس صحبت کرده است، که او ادعا می کند. به یاد داشته باشید که در اول قرنطیان، او در مورد هدیه نبوت بحث می کند. بنابراین شاید پولس از عیسی مسیح در مورد آنچه که می خواهد تعلیم دهد وحی دریافت کرده باشد.

به نظر شما چه گزینه دیگری ممکن است باشد؟ وقتی پولس می گوید، آنچه من می گویم کلام خداوند است، گزینه دیگری چه می تواند باشد؟ منظورم این است که این احتمال وجود دارد که او یک وحی دریافت کرده باشد، یک وحی الهی از طرف خود خدا، از خود عیسی در مورد آنچه در فصل 4 می گوید. چه چیز دیگری؟ در غیر این صورت چگونه می توانیم فصل ۴ را که کلام خداوند است توضیح دهیم؟ احتمالا به بخش گذشته کتاب مقدس اشاره دارد، یا عهد عتیق یا شاید چیزی که خود عیسی تعلیم داده است، یا شاید ترکیبی از هر دو. اما در یادداشت های شما، متوجه خواهید شد که من یک نمودار کوچک با شباهت بین اول تسالونیکیان 4 و 5 و متی 24 دارم. متی فصل 24 طولانی ترین بخش از تعالیم عیسی در هنگام بازگشت، در آمدن دوم است.

و بنابراین، من شخصا فکر می کنم وقتی پولس می گوید، آنچه من می گویم کلام خداوند است، او اساسا آنچه را که عیسی در متی فصل 24 تعلیم داده است خلاصه می کند. نه اینکه پولس متی داشته باشد، اما ممکن است یک گزارش کتبی داشته باشد یا دوباره، بسیاری از گفته های عیسی به صورت شفاهی پخش می شد. اما من فکر می کنم منظور پولس وقتی می گوید آنچه در آیه 15 به شما می گویم کلام خداوند است، یعنی فصل 4 کلام خداوند است زیرا بر اساس تعالیم عیسی در بخشی مانند متی فصل 24 و 25 است.

بنابراین، اگر به متی ۲۴ و ۲۵ برگردید، آموزه های نسبتا مفصل عیسی را در مورد آمدن مسیح خواهید خواند. من قصد ندارم همه اینها را مرور کنم، اما جالب است که شباهت های زیادی بین آنچه پولس در اول قرنطیان 4 و 5 می گوید و آنچه عیسی در متی 24 گفت وجود دارد که باعث می شود فکر کنید پولس مستقیما به عیسی وابسته است. حال، بالاخره، پولس به چه مشکلی رسیدگی می کرد؟ و سپس می خواهیم از 2 تسالونیکیان خیلی خیلی سریع عبور کنیم، انگار که ما به سرعت از اول تسالونیکیان عبور نکرده ایم.

اما پولس ممکن است به چه مشکلی پردازد؟ خوب، به عبارت دیگر، چرا او مجبور شد دوباره به آنها یادآوری کند؟ باز هم، این اولین بار نیست که او این را آموزش می دهد. به نظر می رسد که او فقط آنچه را که قبلا به آنها آموخته است به آنها یادآوری می کند. چرا او باید این را تمرین کند و به آنها یادآوری کند؟ خوب، شاید سناریوی مانند این.

آیا ممکن است وقتی پولس در اعمال رسولان فصل ۱۷ با تسالونیکیان بود، به دلایلی، تعلیم در مورد آمدن دوباره مسیح مهم بود و مدتی را صرف آموزش آنها در مورد بازگشت مسیح و آمدن او و مشکلات مسیح و غیره و آمدن مسیح، روز خداوند کرد، که ما به آن عبارت، روز خداوند، در دوم تسالونیکیان باز خواهیم گشت. اما شاید پولس مدتی را صرف صحبت در مورد آن کرد. بین زمانی که پولس در تسالونیکیه بود و زمانی که نامه را می نویسد، به نظر می رسد که چندین نفر، شاید در جماعت، در کلیسای تسالونیک، جان خود را از دست داده اند.

و اکنون برخی از مسیحیانی که هنوز در آن زمان زنده بودند از خود می پرسیدند که آیا قرار است از دست بدهند یا وقتی عیسی مسیح بازگردد در مضیقه قرار خواهند گرفت. بنابراین، آیا این را می بینید، پل؟ دوباره، پولس وقتی در تسالونیکیه بود، اعمال رسولان ۱۷ به آنها تعلیم داده بود، درباره آمدن دوباره مسیح به آنها آموزش داد. و سپس او رفت، و شاید چند یا چند نفر از اعضا مرده باشند، و برخی از اعضای کلیسا نگران هستند که عزیزانشان که مرده اند، وقتی عیسی بازگردد، از دست بدهند. آیا آنها این رویدادها را از دست خواهند داد؟ یا آنها در مضیقه خواهند بود؟ و پاسخ پولس این است که نه، آنها این کار را نمی کنند.

به این دلیل است که فکر می کنم او می گوید، مردگان در مسیح اول برمی خیزند و بعد ما که باقی می مانیم آنها را در هوا ملاقات خواهیم کرد. این به نوعی روش پولس برای گفتن است، نه، آنها در مضیقه نخواهند بود. آنها به طور کامل در رویدادهایی که پس از بازگشت عیسی مسیح اتفاق می افتد شرکت خواهند کرد.

بنابراین، ناراحت نباشید. امید خود را از دست ندهید. اما در عوض، یکدیگر را با این کلمات تشویق کنید.

عزیزان شما به طور کامل در رویدادهایی که هنگام بازگشت عیسی اتفاق می افتد شرکت خواهند کرد. اگرچه او چیز زیادی در مورد اینکه چرا آنها فکر می کردند ممکن است از دست بدهند، نمی گوید، اما به نظر من این نوع توضیح احتمالی است.

بسیار خوب، پس پولس به کلیسای تسالونیکیه در مورد دو موضوع آموزش داده است، فساد جنسی، اما اکنون آمدن مسیح.

شاید به این دلیل که برخی از مسیحیان تسالونیکیه تعجب می کردند که آیا کسانی که مرده اند و مسیحی بودند، وقتی عیسی مسیحی بود، از دست خواهند داد و پولس به آنها اطمینان می دهد، نه، آنها به طور کامل شرکت خواهند کرد. اما حالا، بیایید به نامه بعدی، نامه دوم به تسالونیکیان نگاه کنیم. من می خواهم فرض کنم که تسالونیکیان اول و دوم به این ترتیب نوشته شده اند.

لازم نیست اینطور باشد. باز هم، به یاد داشته باشید، نامه های پل معمولاً به ترتیب طول مرتب می شوند، نه به ترتیب نوشته شده. بنابراین تسالونیکیان دوم می توانستند اول نوشته شوند، اما من می خواهم استدلال کنم که منطقی تر است که اول تسالونیکیان و سپس تسالونیکیان دوم نوشته شوند.

پس چرا نامه دیگری به تسالونیکیان؟ خب، ظاهراً تسالونیکیان پاسخ دادند، این کل مشکل یا کل مسئله نیست، اما ظاهراً آنها نسبت به تعالیم پولس در تسالونیکیان اول بیش از حد واکنش نشان دادند و کمی بیش از حد به آن پاسخ دادند. یعنی، به این گوش دهید، در مورد آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما با او. این مرجع در فصل 4 است، گرفتار شدن برای ملاقات با خداوند در هوا.

اکنون پولس می گوید، اکنون در مورد آمدن خداوند و جمع شدن، از شما خواهش می کنیم، برادران و خواهران، به سرعت در ذهن متزلزل نشوید یا با روح یا با کلام یا نامه هشدار ندهید، گویی از طرف ما به این

نتیجه که روز سرور در حال حاضر اینجاست. ظاهراً تسالونیکیان، پس از اینکه پولس تسالونیکیان اول را نوشت، که اکنون اولین تسالونیکیان هستند، واکنش نشان داده اند و فکر می کنند که در حال حاضر در روز خداوند هستند. آنها فکر می کنند که در آستانه بازگشت مسیح هستند، آمدن دوم، که هنوز برای پایان دادن به تاریخ نیست.

همانطور که پولس می گوید، ممکن است به این دلیل اتفاق افتاده باشد که کسی نامه ای برای آنها نوشت و این را به آنها گفت، گوی پولس آن را نوشته است. باز هم، شاید این یک واکنش بیش از حد بود. دوباره، توجه کنید که چگونه پولس، توجه کنید که چگونه او در اول تسالونیکیان فصل 4 صحبت کرد. شما می توانید ببینید که در کجا، همراه با تعدادی از چیزهای دیگر، تسالونیکیان ممکن است بیش از حد واکنش نشان داده باشند وقتی پولس می گوید که ما که زنده هستیم، تا آمدن خداوند باقی مانده ایم.

منظورم این است که آیا برخی نمی توانند این را بدانند که وقتی عیسی مسیح بازگردد، ما زنده خواهیم بود؟ بنابراین، ما در حال حاضر در روز خداوند هستیم. بنابراین، به هر حال، آنها به آنجا رسیدند، مشکل اصلی تسالونیکیان دوم این است که مسیحیان تسالونیکیه اکنون فکر می کنند که در حال حاضر در روز خداوند هستند. روز خداوند اصطلاحی بود که اساساً به پایان، زمان اشاره داشت.

لروما یک روز واقعی نبود، یک دوره 24 ساعته. این فقط به زمانی اشاره داشت که خدا باز می گردد و پادشاهی خود و خلقت جدید را برپا می کند. او بدی را قضاوت می کرد و به قومش پاداش می داد.

در عهد عتیق از آن به عنوان روز خداوند یاد شده است. حال، برخی در کلیسای تسالونیکیه فکر می کردند که آنها قبلاً آنجا هستند، که روز خداوند فرا رسیده است. حالا، پاسخ پولس اینجاست.

فقط به طور خلاصه، او اساساً می گوید، روز خداوند فرا نرسیده است. بنابراین، تسالونیکیان، شما در روز خداوند نیستید زیرا چیزهای خاصی وجود دارد که باید اتفاق بیفتد که هنوز اتفاق نیفتاده اند. این اساساً خلاصه ای از نامه پولس به تسالونیکیان دوم، تسالونیکیان دوم است، تسالونیکیان هستند، شما در روز خداوند نیستید، زیرا قبل از اینکه روز خداوند فرا برسد، چیزهای خاصی باید اتفاق بیفتد و هنوز اتفاق نیفتاده اند.

بنابراین، بنابراین، شما در روز خداوند نیستید. حال، مشکل این است که بخش کلیدی فصل 2: 11-2 است. مشکل این است که چیزهایی که پولس فهرست می کند، چیزهایی که می گوید، هنوز اتفاق نیفتاده اند و تا زمانی که اتفاق نیفتد، روز خداوند نمی تواند فرا برسد.

بنابراین، تسالونیکیان، فریب نخورید که فکر کنید در حال حاضر در پایان هستید، که آمدن مسیح برای پایان دادن به تاریخ، درست در گوشه و کنار است. فریب نخورید که به آن فکر کنید. پولس باید امروز برگردد و این چیزها را بگوید.

آخرین آنها، چند روز پیش با برخی از مردم صحبت می کردم، و آخرین پیشگویی 12 مه است، عیسی در حال بازگشت است. بنابراین، متأسفم، شما باید در فینال شرکت کنید، متأسفم، یا شاید نه، نه. ممکن است فقط برخی از فینال های خود را از دست بدهید.

بنابراین، به هر حال، اما تسالونیکیان به نوعی نسخه ای از آن بود، که فکر می کردند در زمان خداوند هستند و تاریخ به پایان می رسد. بنابراین، پولس می گوید، نه، نه، چیزهای خاصی وجود دارد که اتفاق نیفتاده است، اما مشکل این است که چیزهایی که پولس فهرست می کند. او سه چیز را فهرست می کند.

او سه چیز را فهرست می کند. شماره یک، شورش. او می گوید شورش هنوز اتفاق نیفتاده است، مرد بی قانونی هنوز نیامده است و بازدارنده ای که باید برداشته شود هنوز برداشته نشده است.

بنابراین، آیا این به شما کمک می کند؟ خب، مشکل این است که این شورش چیست؟ منظورم این است که ایده در اینجا ارتداد یا روی گرداندن از خدا است. اما پل واقعا در مورد اینکه این چیست یا چگونه خواهد بود مشخص نیست. تا چه حد قرار است این اتفاق بیفتد؟ بنابراین، در مورد مرد بی قانونی چطور؟ برخی سعی کرده اند این را به عنوان یک شخصیت خاص، مانند یک شخصیت ضد مسیح شناسایی کنند.

آیا پولس به یک شخصیت خاص اشاره می کند؟ آیا او بیشتر به نوعی روحیه یا نگرش شورشی اشاره می کند که جامعه را فرا گرفته است؟ پل نمی گوید. در مورد بازدارنده چطور؟ انواع پیشنهاداتی وجود داشته است. پولس می گوید که مهار کننده اکنون جلوی شر را می گیرد و تنها زمانی که مهار کننده برداشته شود، شرارت مسیر خود را طی می کند و سپس پایان فرا می رسد.

اما مهار کننده در دنیا چیست؟ برخی معتقدند که مهار کننده خود خدا است. برخی پیشنهاد کرده اند که این روح القدس است. برخی پیشنهاد کرده اند که این کلیسا است.

برخی پیشنهاد کرده اند که این مژده است، موعظه مژده. برخی معتقدند که این امپراتوری روم در قرن اول بوده است. انواع پیشنهاداتی وجود داشته است.

اما مشکل این است که ما نمی توانیم دقیقا مطمئن باشیم که هیچ یک از این چیزها چیست. پولس می گوید، شاید دوباره، مشکل این است که آیا یادتان نمی آید وقتی در مورد این چیزها به شما گفتم؟ نیازی نیست در مورد روزها و زمان ها به شما بگویم زیرا قبلا به شما گفته ام. بنابراین شاید تسالونیکیان و پولس دقیقا می دانند که در مورد چه چیزی صحبت می شود، و ما کسانی هستیم که در تاریکی باقی مانده ایم که دقیقا چه هستند.

اما من فکر می کنم حداقل، نکته این است که پولس می تواند بگوید که چیزهای خاصی وجود دارد که اتفاق نیفتاده است که باید اتفاق بیفتد، و تا آن زمان، اینقدر خسته نشوید و فکر نکنید که در آستانه پایان هستید. فکر نکنید که در حال حاضر در روز خداوند هستید. این اساسا همان چیزی است که دوم تسالونیکیان در مورد آن است.

حالا، من فکر می کنم وقتی 1 و 2 تسالونیکیان را کنار هم قرار می دهیم، پیام عمیقی در مورد اینکه چگونه... تسالونیکیان.

این دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید است، سخنرانی ۲۴ درباره فیلیمون و تسالونیکیان.